


Direct Intent in Article 290 of the Islamic Penal Code

Abbas Mohammadkhani¹  | Majid Sadeqnejad Naeini² 

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Ilam University, Ilam, Iran (Corresponding author): a.mohammadkhani@ilam.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Hakim Sabzevari University, Mashhad, Iran, m_sadeqnejad@hsu.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article type: Scientific</p> <hr/> <p>Received: 2025/02/11</p> <p>Received in revised form: 2025/03/13</p> <p>Accepted: 2025/04/19</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Identifiable Persons, Unidentifiable Persons, Direct Intent, Indirect Intent, Islamic Penal Code.</i></p>	<p>Direct intent refers to a situation where the perpetrator's objective in committing an act is the realization of a criminal result. This is in contrast to indirect intent, wherein the perpetrator does not desire the outcome but is aware that it will occur in the normal course of events. Direct intent is formed through the conscious choice of the perpetrator; thus, any result intentionally selected by the perpetrator falls within the scope of direct intent, even if it is not the ultimate or final goal. Nonetheless, in Article 290 of the Islamic Penal Code, the legislature has allocated subsections (a) and (t) to direct intent, and subsections (b) and (p) to indirect intent. According to the present research, if the perpetrator aims to bring about a particular result, direct intent is established, even where the likelihood of achieving that result is minimal. Moreover, if the perpetrator employs a specific method to achieve the intended outcome, but the result materializes through another means, direct intent still applies. In addition, the legislator considers the intent to cause a result similar to the one that actually occurred as constituting intentional criminal liability. For example, if the perpetrator intends to blind the victim's left eye, but instead the right eye is blinded, this situation still falls under the definition of direct intent.</p>
How To Cite	Mohammadkhani, Abbas, Sadeqnejad Naeini, Majid. (2025). Direct Intent in Article 290 of the Islamic Penal Code. <i>Journal of Judgment</i> , 120(4), 67-82. http://doi.org/10.22034/judg.2025.2053027.1371
DOI	10.22034/judg.2025.2053027.1371
Publisher	Publications of the Judiciary of Tehran Province 

سوء نیت مستقیم در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی

عباس محمدخانی^۱ | مجید صادق نژاد نائینی^۲

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران، (نویسنده مسئول)، رایانامه: a.mohammadkhani@ilam.ac.ir
۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، مشهد، ایران، رایانامه: m_sadeghnejad@hsu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی	مراد از سوء نیت مستقیم آن است که هدف مرتکب از انجام رفتار، رسیدن به نتیجه مجرمانه باشد، برخلاف سوء نیت غیر مستقیم که مرتکب خواستار تحقق نتیجه نیست، اما آگاه است که نتیجه در روند عادی امور واقع خواهد شد. سوء نیت مستقیم با انتخاب مرتکب محقق می‌شود و هر نتیجه‌ای که انتخاب شود، ذیل سوء نیت مستقیم قرار خواهد داشت؛ هر چند هدف نهایی و غایی مرتکب نباشد. اما قانونگذار در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، بندهای الف و ت را به سوء نیت مستقیم و بندهای ب و پ را به سوء نیت غیر مستقیم اختصاص داده است. مطابق تحقیق حاضر، در صورتی که مرتکب خواهان رسیدن به نتیجه باشد، سوء نیت او به صورت مستقیم محقق می‌شود، هر چند امید او به تحقق نتیجه ناچیز باشد؛ همچنانکه اگر مرتکب برای رسیدن به نتیجه، روش خاصی را انتخاب کند، اما نتیجه مزبور به طریقی دیگر واقع شود نیز سوء نیت وی به صورت مستقیم محقق خواهد شد. همچنین قانونگذار قصد نظیر نتیجه واقع شده را نیز به معنای تحقق جنایات عمدی دانسته است که در این حالت نیز سوء نیت مستقیم محقق خواهد شد. مانند آنکه مرتکب قصد کور کردن چشم چپ قربانی را داشته باشد، اما چشم راست او نابینا شود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۲۳	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۹	
کلیدواژه: سوء نیت مستقیم، سوء نیت غیر مستقیم، اشخاص معین، اشخاص نامعین، قانون مجازات اسلامی.	
استناد	محمدخانی، عباس، صادق نژاد نائینی، مجید. (۱۴۰۳). سوء نیت مستقیم در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، فصلنامه قضاوت، ۱۲۰(۴)، ۶۷-۸۲. http://doi.org/10.22034/judg.2025.2053027.1371
DOI	10.22034/judg.2025.2053027.1371
ناشر	انتشارات دادگستری کل استان تهران



مقدمه

مطابق تعریف، عنصر روانی رابطه‌ای است که مادیات جرم را به شخصیت بزه‌کار پیوند می‌زند (نجیب حسنی، ۱۳۹۳: ۱۴). این عنصر در جرایم عمدی به صورت عمد و سوءنیت و در جرایم غیر عمدی به صورت تقصیر و خطای جزایی متجلی می‌شود. اما عمد یا سوءنیت به عنوان عنصر روانی جرایم عمدی خود دارای دو حالت مجزا است که هر یک به تنهایی موجب تحقق عنصر روانی جرایم عمدی می‌شود: ۱) حالت تلفیق اراده با قصد که سوءنیت مستقیم نامیده می‌شود، و ۲) حالت تلفیق اراده با علم که سوءنیت غیرمستقیم نام گرفته است.

بر این اساس، نیت مجرمانه هم می‌تواند بصورت مستقیم و هم غیرمستقیم محقق گردد. اصطلاح نیت مجرمانه مستقیم و غیرمستقیم برگرفته از تالیفات حقوقدانان خارجی است (Wilson, 1998: 124-125). در نیت مجرمانه مستقیم،^۱ مرتکب در راستای تحقق جرم تلاش می‌کند و هدف خود را تحقق آن قرار داده است و لذا می‌توان گفت که توجه او به صورت مستقیم و اصلی به نتیجه جلب شده است؛ اما در نیت مجرمانه غیرمستقیم،^۲ هر چند هدف وی تحقق جرم نیست، اما می‌داند که رفتار ارتكابی وی عملاً منجر به تحقق جرم خواهد شد و لذا به صورت فرعی و غیرمستقیم به نتیجه نظر داشته است. در فقه نیز چنین تقسیم‌بندی مشاهده می‌گردد؛ با این تفاوت که از نیت مجرمانه مستقیم به نیت اصلی و از نیت مجرمانه غیرمستقیم به نیت تبعی تعبیر شده است (خویی، ۱۳۹۶: ۴-۳؛ لنگرانی، ۱۴۲۷: ۱۸).

در میان تحقیقات حقوق‌دانان ایرانی، بررسی تفصیلی ماهیت قصد و تفاوت آن با علم به چشم نمی‌خورد و لذا مقاله حاضر به بررسی تفصیلی ماهیت و مفهوم قصد در تحقق جنایات پرداخته است. بر این اساس، نویسندگان مقاله با تأکید و تمرکز بر ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی و بحث سوءنیت مستقیم در جنایات، به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که ماهیت قصد چیست و چه زمانی می‌توان گفت که مرتکب، نتیجه‌ای را قصد کرده است؟ همچنین، اگر فردی نتایج مختلفی را در طول یکدیگر قصد کند، اما تنها یکی از آن‌ها برای وی مطلوبیت نهایی داشته باشد، آیا می‌توان وی را نسبت به همه آن‌ها قاصد دانست؟ و در نهایت، آنچه پس از ارتکاب رفتار مرتکب واقع می‌شود، چه تأثیری در عدم تحقق قصد او دارد، مانند آنکه مرتکب خواهان مرگ قربانی به صورتی خاص باشد، اما وی به صورتی دیگر کشته شود و یا آنکه بخواهد که دست راست وی را قطع کند، اما دست چپ او قطع شود؟

1. direct intention

2. indirect / oblique intention

۱. معنای قصد

عنصر روانی مرتکب در این قسمت نه ناظر به اشتیاق^۱ و یا میل^۲ مرتکب و بلکه قصد^۳ او در ارتکاب جرم است و لذا مرتکب می‌تواند بدون آنکه به تحقق یک نتیجه مشتاق باشد، آن را قصد کند (Smith & Hogan, 2009: 119). بنابراین اگر فردی برای رهایی دیگری از درد، تزریق کشنده‌ای روی او انجام دهد، اما اشتیاقی در کشتن او نداشته باشد، قاصد در تحقق مرگ شناخته می‌شود (Ibid). البته می‌توان تصور نمود که علاوه بر اینکه نتیجه از جانب متهم قصد می‌شود، تحقق آن مورد رضایت، اشتیاق و میل او نیز باشد. مانند فردی که از کشتن انسان‌ها یا تخریب اموال آن‌ها به آرامش می‌رسد و با شوق و تمایل بسیار اقدام به انجام آن می‌کند یا سارقی که ربودن اموال دیگران را با رضایت و اشتیاق کامل مرتکب می‌گردد. با وجود این، همانطور که اشاره شد، از نظر حقوق کیفری آنچه برای تحقق نیت مجرمانه در این حالت مورد نیاز است، تنها خواستن نتیجه از جانب مرتکب است و موارد دیگر مانند اشتیاق، تمایل و رضایت تاثیری در تحقق آن ندارد (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۲۲۴-۲۲۳). اما برای تعیین مفهوم دقیق خواستن نتیجه دو معیار ارائه شده است که در ادامه آن‌ها را بررسی خواهیم کرد.

۲. ماهیت قصد

خواستن یک نتیجه به معنای انتخاب آن است؛ به این معنا که هر آنچه را مرتکب یک رفتار، به عنوان پیامد یا پیامدهایی برای فعل یا ترک خود انتخاب نماید، مورد خواست وی بوده و می‌توان آنها را مقصود او دانست. لذا در فرضی که فردی به چرخ ماشین دیگری که با سرعت زیاد در حال راندگی است، شلیک می‌کند؛ به این امید که ماشین او را واژگون کرده و موجب مرگ او گردد، تمامی نتایج واقع شده در آن حادثه را قصد کرده است. سوراخ نمودن چرخ ماشین، واژگونی اتومبیل و مرگ قربانی همگی نتایج هستند که توسط وی انتخاب شده اند و با توجه به قاعده فوق، تمامی آنها را باید مقصود مرتکب دانست.

همانطور که مشخص است، در میان اهدافی که مرتکب در مثال مزبور انتخاب نموده است، هدف اصلی مرتکب، مرگ قربانی است و مابقی اهداف برای او اصالت نداشته و آنها را صرفاً برای رسیدن به هدف نهایی خود برگزیده است، با وجود این، چنین امری صدمه‌ای به قصد مرتکب نسبت به اهداف واسطه‌ای و میانی او وارد نمی‌آورد. بر همین مبنا، زمانی که مرتکب به گروگانگی که سپر یک تروریست شده است، تیراندازی می‌کند، با این امید که تیر با عبور از بدن او، موجب

1. desire
2. wish
3. Purpose

مرگ تروریست شود، هر چند کشتن فرد گروگان، هدف اصلی مرتکب نبوده و آن را برای رسیدن به هدف نهایی خود (مرگ تروریست) برگزیده است، اما با توجه به انتخاب آن توسط مرتکب، جنایت وارده بر گروگان نیز عمدی خواهد بود. لذا به عنوان یک قاعده می توان گفت، هر آنچه که مورد انتخاب قرار گیرد، قصد شده است؛ فارغ از آنکه انتخاب مزبور هدف نهایی و غایی مرتکب و یا اهداف ابتدایی و واسطه‌ای او باشد (همان: ۲۲۴).

بر همین مبناست که در مثال قبلی، تحقق جرم تخریب نسبت به ماشین قربانی نیز قابل پذیرش است. زیرا وی تخریب ماشین را انتخاب و در نتیجه، قصد کرده است؛ هر چند هدف نهایی وی تخریب نبوده است. به بیان دیگر، همینکه مرتکب، ایجاد نتیجه‌ای را بخواهد و حصول آن را خواستار شود، آن را قصد کرده است؛ هر چند آن نتیجه، پیامد نهایی مورد نظر وی نبوده و او نتایج متعددی را در طول یکدیگر و برای رسیدن به نتیجه نهایی قصد نماید.^۱ در حقوق انگلیس و در دعوی هیام^۲ نیز که مرتکب، خانه را به قصد ترساندن قربانی آتش زده بود، برخی از حقوق‌دانان معتقدند که مرتکب، هم آتش زدن و هم ترساندن قربانی را قصد کرده است (Simister and Sullivan, 2010: 128). در حقیقت، هر چند نفس آتش زدن خانه مطلوب و هدف نهایی مرتکب نبوده و آن را تنها به عنوان هدف میانی و واسطه‌ای خود و وسیله‌ای جهت نیل به هدف اصلی برگزیده است، اما چون حصول آن را خواستار شده است، آن را باید قصد شده دانست.

به عنوان نتیجه‌ای از این قسمت می توان گفت که آنچه را که مرتکب انتخاب نماید، مورد قصد او واقع شده است؛ خواه به تحقق آن مشتاق بوده و یا نباشد و خواه انتخاب مزبور هدف منحصر مرتکب بوده و یا اینکه وی اهداف متعددی را در طول یکدیگر انتخاب نماید (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۲۲۶). قبول معیار انتخاب، تاییدی دیگر بر تشکیل نیت مجرمانه در اثر تلاقی پذیرش و اراده است. زیرا انتخاب یک نتیجه را می توان بارزترین نمود پذیرش آن دانست.

۳. بندهای الف و ت ماده ۲۹۰

پس از تبیین مفهوم قصد در حقوق کیفری، در ادامه به بررسی بندهای الف و ت ماده ۲۹۰ قانون

۱. بر همین اساس، فردی که به راننده‌ای که داخل ماشین نشسته است، شلیک می کند، هم نسبت به صدمه‌ی او و هم شکستن شیشه دارای نیت مجرمانه از نوع قصد است و نمی توان نیت مجرمانه نسبت به شکستن شیشه را از نوع علم و به صورت غیرمستقیم دانست. زیرا هر چند شکستن شیشه هدف اصلی مرتکب نبوده و مرتکب آن را برای رسیدن به هدف نهایی خود برگزیده است، اما با توجه به اینکه تحقق آن، مورد انتخاب وی قرار گرفته است، ذیل قصد مجرمانه قرار خواهد گرفت.

2. Hyam [1975] AC 55.

مجازات اسلامی خواهیم پرداخت که قانونگذار تحقق جنایت عمدی را منوط به مستقیم بودن سوءنیت مرتکب و یا به بیان دیگر، قصد او در تحقق نتیجه دانسته است.

۳-۱. قصد افراد معین یا نامعین از یک جمع

مطابق بند الف ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی: هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.

مطابق بند فوق، قصد مرتکب، گاه ناظر به بزه دیده یا بزه دیدگان معینی است و او قصد ایراد جنایت بر هر فردی را ندارد. در این فرض، در صورتی که فرد یا افراد مورد نظر کشته شوند و یا صدمه ببیند، جنایت عمدی محقق خواهد شد، مانند آنکه مرتکب قصد کشتن الف را داشته باشد و در عمل نیز فرد مزبور کشته شود. لازم به ذکر است، واژه معین در بحث حاضر به معنای شناسایی هویتی و ظاهری قربانی نیست و بلکه مراد از آن، تفکیک یک انسان از مابقی انسان‌ها در ذهن مرتکب و قصد ارتكاب رفتار بر اوست. بنابراین، اگر فردی قصد کشتن شخصی را داشته باشد که فاصله زیادی با او دارد، کشتن یک شخص معین را قصد کرده است؛ هرچند نه هویت وی را بداند و نه از نظر ظاهری وی را بشناسد.

همچنین در صورتی که فردی، قصد ایراد جنایت بر افراد یک جمع را داشته باشد، جنایت او نسبت به هر کدام از آن‌ها عمدی خواهد بود؛ هرچند فرد مشخصی از میان آن جمع، مورد نظر او نباشد، زیرا در این فرض نیز مرتکب، تمامی افراد جمع مزبور را قصد کرده است و لذا ایراد جنایت بر هر یک از آنان مطابق با ذهنیت اوست، مانند آنکه نارنجکی را به قصد کشتن چند نفر از اعضای یک خانواده، به داخل خانه پرتاب نماید یا بمبی را در سازمان معینی برای کشتن هر کدام از اعضای آن سازمان کارگذارد که در این حالت، هر یک از افراد آن خانه یا سازمان کشته شود، موضوع قصد مرتکب خواهد بود. در این فرض نیز مراد از افراد یک جمع، شناسایی هویتی و ظاهری آنان نیست و صرف اینکه مرتکب، افراد متعلق به یک جمع را از بقیه گروه‌ها تفکیک کرده و ایراد جنایت بر آن‌ها را قصد کند، موجب تحقق عنصر روانی خواهد شد؛ هرچند هویت و ظاهر افراد مزبور و حتی تعداد دقیق آن‌ها بر او پوشیده باشد. بنابراین، اگر فردی به قصد کشتن هر یک از افراد یک جمع هفت نفری که او آنان را به اشتباه پنج نفر می‌داند، مبادرت به تیراندازی کند و موجب مرگ یکی از آن‌ها شود، مرتکب قتل عمدی شده است.

اما قانونگذار با تبعیت از کتب فقیهان، در تعریف جنایت عمدی، قصد شخص معین را ذکر

کرده است (شهید اول، بی تا: ۲۵۶؛ شهید ثانی، بی تا: ۱۰۶-۱۰۵) و لذا در صورتی که مرتکب قصد شخص معینی را داشته باشد، اما فرد دیگری کشته شود و یا صدمه ببیند، مطابق نظر مشهور فقیهان (مفید، ۱۴۱۰: ۷۳۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۸۲)،^۱ جنایت واقع شده عمدی نخواهد بود.^۲ به بیان دیگر، ذهنیت مرتکب در این فرض، تنها فرد یا افراد خاصی را در بر دارد و لذا اگر فردی خارج از آن‌ها کشته شود و یا صدمه ببیند، خارج از قصد اوست.^۳ بر همین اساس، قانونگذار در بند ت ماده ۲۹۰، جنایت بر افراد نامعین را تنها زمانی عمدی دانسته است که مرتکب، قصد فرد یا جمع معینی را نداشته باشد و لذا اگر فرد یا جمع معینی مورد نظر او باشد، ایراد جنایت بر فرد یا جمعی دیگر، موجب تحقق یک جنایت عمدی نخواهد بود.^۴ بنابراین، صرف نظر از بحث‌های نظری مربوط به ماهیت جنایت واقع شده در این حالت، قانونگذار با ذکر عبارت قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین در بند الف و نیز عبارت بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، در بند ت ماده ۲۹۰، به صراحت پایبندی خود به نظر مشهور فقیهان را نشان داده است.

با توجه به آنچه گفته شد، استدلال زیر را نمی‌توان پذیرفت: بمب‌گذاری در اطاق محل استقرار (الف)، چنانچه منتهی به قتل کسانی شود که در اطاق مجاور و یا در تیررس ترکش انفجار بوده‌اند، حتی با فرض اینکه مرتکب هرگز خواهان ارتکاب جنایت علیه آنها نبوده، با جمع دیگر شرایط، عمدی محسوب می‌شود، زیرا امکان تفکیک آن‌ها در رابطه با قدرت انفجار وجود ندارد و همه آنها عرفاً یک هدف معین محسوب می‌شوند... بر پایه همین استدلال سرنشینان اتومبیلی که به سرعت در حال حرکت است، به تعبیری یک هدف محسوب می‌شوند و شلیک به طرف آنان به قصد جنایت بر شخص خاص، مانع وقوع جنایت عمدی علیه همه سرنشینان نیست (آقای نی، ۱۳۹۹: ۱۰۵).

همانطور که مشخص است، در مثال فوق، هم بمب‌گذار و هم شلیک‌کننده به اتومبیل، قصد کشتن شخص معینی را دارند و به صراحت بند الف ماده ۲۹۰، تنها زمانی که همان فرد کشته شود، جنایت عمدی محقق خواهد شد و لذا توجیه عمدی بودن قتل با این استدلال که همه آن‌ها عرفاً یک هدف محسوب می‌شوند، قابل پذیرش نیست. از طرف دیگر، استدلال فوق، مرز بین قصد فرد معین با قصد افراد نامعین از یک جمع را نیز از بین می‌برد. برای نمونه، اگر فردی به اتومبیل در

۱. برخی از فقیهان شیعه جنایت واقع شده در فوق را عمدی دانسته‌اند. رک: کاشف الغطاء، اصل شیعه و اصولها، ص ۳۰۹.

۲. همچنین، نک: بند پ ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی.

۳. برای دیدن نظر موافق، رک: پوربافرانی، جرایم علیه اشخاص، ص ۹۶-۹۵ و برای دیدن نظری که قتل واقع شده در این حالت را عمدی می‌داند، رک: مرادی، جرایم علیه اشخاص، ص ۱۰۷.

۴. بند ت ماده ۲۹۰: هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند.

حال حرکتی، جهت کشتن هر یک از سرنشینان آن شلیک کند، بدون آنکه فرد مشخصی مورد نظر او باشد، با مرگ هریک از آنان، جنایت عمدی محقق خواهد شد. اما نظر فوق با عمدی دانستن قتل در حالتی هم که مرتکب تنها قصد کشتن فرد معینی از سرنشینان را داشته، اما فرد دیگری کشته شود، مرز آن دو را از بین برده است؛ حال آنکه مطابق بند الف ماده ۲۹۰، جنایت مرتکب در فرض اول (قصد کشتن فردی معین و کشتن فردی دیگر)، غیر عمدی و در فرض دوم (قصد کشتن هریک از سرنشینان)، عمدی خواهد بود.

آری، در حالتی که مرتکب قصد کشتن فرد خاصی را دارد، اما می داند که فرد دیگری نیز کشته شده و یا صدمه می بیند، جنایت او نسبت به آن فرد نیز عمدی خواهد بود، مانند آنکه فردی برای کشتن یک مقام سیاسی بمبی در محل سکونت او کار می گذارد، در حالی که می داند به علت انفجار شدید بمب، محافظان او در اتاق کناری نیز خواهند مرد. همچنین با وجود آنکه شلیک تیر به اتومبیل در حال حرکت، به قصد کشتن فردی معین، تنها زمانی عمدی است که همان فرد کشته شود، اما در صورتی که مرتکب بداند که افراد دیگر نیز کشته خواهند شد، جنایت وی نسبت به آنان نیز عمدی خواهد بود، مانند آنکه فردی نارنجکی را جهت کشتن یک راننده، داخل در اتومبیل اندازد، در حالی که می داند دیگر سرنشینان نیز کشته خواهند شد. بنابراین، عمدی بودن جنایت در این فرض، نه به دلیل اینکه همه افراد یک هدف محسوب می شوند و بلکه به دلیل علم به تحقق نتیجه و شمول گستره ذهنی مرتکب بر قربانیان است. فرض اخیر از موضوع مقاله حاضر خارج و مشمول سوءنیت غیرمستقیم در بندهای ب و پ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی است.

۳-۲. قصد افراد نامعین

مرتکب در این فرض که وسیع ترین حالت تحقق قصد است، مرگ یا صدمه به تمامی افراد را انتخاب می کند، بدون آنکه فرد مشخصی مورد نظر او باشد و لذا هر فردی که کشته شود و یا صدمه بیند، داخل در ذهنیت او خواهد بود، مانند آنکه فردی جهت کشتن مردم، یک محل عمومی را بمب گذاری کند یا نارنجکی را میان بازاری بزرگ رها نماید. این موضوع مشمول بند ت ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی است: هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند.

در حقیقت، در این حالت، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مورد نظر مرتکب باشد، ذهنیت او تمامی افراد را در بر می گیرد و لذا هر فردی که کشته شود، مورد انتخاب و داخل در قصد اوست، برخلاف حالت قبل که گستره ذهنی مرتکب تنها فرد یا افرادی محدود را در بر می گرفت که تنها

تحقق جنایت نسبت به همان افراد را می‌توان عمدی دانست. مبنای این امر آن است که در قصد کلی، قصد افراد قهراً وجود دارد و انطباق کلی بر افراد، یک امر قهری است (مرعشی، ۱۳۷۹: ۱۰۷). بنابراین، به عنوان نتیجه بحث حاضر، عمدی دانستن جنایت در حالت قصد تحقق نتیجه، منوط به پوشش ذهنیت مرتکب بر مجنی علیه است. اگر وی فرد یا افراد مشخصی را قصد کند، دایره ذهنی او منحصر در آن فرد یا افراد است و اگر افراد غیر معینی از یک جمع را قصد نماید، تنها افراد همان جمع، داخل در ذهنیت او هستند و در نهایت، اگر همه افراد، مورد نظر او باشند، تمامی افراد جامعه داخل در ذهنیت مرتکب و ذیل قصد او خواهند بود.

۴. قصد نتایج دور از ذهن

اگر مرتکب با وجود احتمال ضعیف تحقق یک نتیجه، آن را قصد کند و نتیجه مزبور نیز بصورت کاملاً اتفاقی و استثنایی محقق شود، آیا می‌توان وی را عامد دانست، مانند زمانی که فردی با زدن یک سیلی آرام به مجنی علیه و یا هل دادن او از ارتفاع کم، قصد کشتن وی را داشته باشد و در عمل نیز قتل مزبور به صورت کاملاً اتفاقی واقع گردد؟

تردید از آنجا ناشی می‌شود که مرتکب در این حالت، رفتار خود را تنها در یک حالت کاملاً استثنایی و دور از ذهن منجر به تحقق مرگ می‌داند. در پاسخ به این سؤال دو نظر در میان فقیهان مشاهده می‌شود. عده‌ای که غالباً از میان متقدمین هستند، قتل عمدی را تنها با رفتار نوعاً کشنده محقق دانسته‌اند (مفید، ۱۴۱۰: ۷۳۴؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۱۵؛ سلار، ۱۴۱۴: ۲۳۶).^۱ براساس این نظر که موافق احتیاط در خون مردم دانسته شده است، زمانی که رفتار مرتکب نوعاً کشنده نباشد، قتل واقع شده (حتی با وجود قصد مرگ)، عمدی نخواهد بود.^۲ نظری که توسط برخی از معاصرین نیز تقویت شده است (گرچی، ۱۳۸۲: ۲۷).

این استدلال پذیرفتنی نیست، زیرا قصد قتل با نوعاً کشنده بودن رفتار رابطه الزام‌آوری ندارد؛ به طوری که فقدان یکی از آنها موجب انتفای دیگری شود. بنابراین، حتی اگر احتمال تحقق مرگ بسیار ناچیز باشد نیز تصور قصد قتل، ممکن خواهد بود، زیرا هر چند مرتکب امید زیادی به تحقق مرگ ندارد، اما آن را کاملاً منتفی نمی‌داند و لذا زمانی که رفتار خود را به قصد ایجاد نتیجه انجام دهد، نمی‌توان در عامد بودن وی تردید نمود. آری، اگر فردی یقین داشته باشد که نتیجه‌ای محقق نمی‌شود، نمی‌تواند آن را قصد کند (Mannheim, 1935: 88)، اما در صورتی که وقوع آن را هر چند

۱. برخی دیگر از فقیهان با وجود اشاره به این مطلب، از اظهار نظر در مورد عمدی یا غیر عمدی بودن آن خودداری کرده‌اند، رک: شهید اول، الممعه، ص ۲۴۸: «و العمد يحصل بقصد البالغ الی القتل بما یقتل غالباً، قبل او نادراً».

۲. برای دیدن دلایل قائلین به این نظر، (رک: نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۱۶ - ۱۵).

به صورت ناچیز، احتمال دهد، می‌تواند آن نتیجه را انتخاب کند، مانند شلیک به فردی از فاصله زیاد، هر چند مرتکب می‌داند که احتمال خطا کردن او بسیار است (کلارکسون، ۱۳۹۰: ۸۶)؛^۱ یا کشیدن ماشه هفت تیری که تنها یک فشنگ دارد به قصد کشتن قربانی در حالیکه مرتکب می‌داند، امکان شلیک سلاح، یک هفتم است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۱۱۴) یا پرتاب سنگ ریزه‌ای به قصد کشتن دیگری؛ یا با همین قصد، وی را از مکانی پست و غیر مرتفع پایین انداختن و یا ماده‌ای سمی را که احتمال کشنده بودن آن بسیار ناچیز است، با قصد قتل به غذای قربانی اضافه کردن؛ با علم به اینکه چنین رفتارهایی غالباً مرگ را بدنبال خواهند داشت.

آری، کشتن دیگران معمولاً با رفتارهایی صورت می‌گیرد که قاتل از تأثیر آن‌ها مطمئن باشد و بسیار بعید است که فردی با زدن یک سیلی یا هل دادن از ارتفاع کم یا ریختن سم ضعیف در غذای قربانی، کشتن وی را قصد کند. اما از نظر تحلیلی، آنچه موجب تحقق یک جنایت عمدی می‌شود، ارتکاب یک رفتار منجر به مرگ (از نظر عنصر مادی) و قصد آن رفتار و نتیجه (از نظر عنصر روانی) است و لذا در تمامی مثال‌های فوق، قتل عمدی محقق خواهد شد، زیرا مرتکب قصد کشتن قربانی را با رفتاری داشته است که عملاً منجر به مرگ او شده است و همین امر برای تحقق عنصر مادی روانی قتل عمدی کافی خواهد بود.^۲

مشهور فقیهان نیز با توجه به برخی روایات وارده و اینکه بعد از ظهور ادله جایی برای احتیاط نیست (طباطبایی، بی تا: ۱۸۲؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۱۶) و این که قصد قتل از نظر لغت و عرف جدای از آلت قتاله محقق می‌گردد (طباطبایی، بی تا: ۱۸۲)، تمرکز عمدی بودن قتل را بر قصد مرتکب دانسته و قتل با رفتار بندرت کشنده را نیز عمدی دانسته‌اند.^۳ بر اساس این نظر، در صورتی که فردی رفتاری را به امید تحقق مرگ انجام داده و موجب مرگ دیگری گردد، قتل به صورت عمدی واقع خواهد شد (رک: خمینی، ۱۳۹۰: ۵۱۱). به بیان دیگر، اگر فردی با توجه به تجارب عملی، به تحقق نتیجه امید زیادی نداشته باشد، اما رفتار را با این امید انجام دهد که مرگ بر رفتار او به صورت نادر و اتفاقی مترتب شود، جنایت وی عمدی خواهد بود.

۱. همچنین، رک:

(Allen, Criminal Law, p. 49)

۲. البته از نظر اثباتی، برخلاف استفاده از یک رفتار کشنده که قاضی، فرض ابتدایی را بر وجود قصد قتل می‌گذارد، در صورت تحقق مرگ با یک رفتار ضعیف و غیر معمول، قاضی اصل را بر این می‌گذارد که مرتکب خواهان کشتن قربانی نبوده است، مگر آنکه قصد مرتکب در کشتن قربانی احراز شود. بنابراین، بحث عدم تحقق جنایات عمدی با رفتارهای ضعیف، بحثی اثباتی و شکلی است و ارتباطی به تشکیل نیت مجرمانه که بحثی ماهوی است، ندارد و لذا عدم پذیرش جنایت عمدی در این حالت، بیانگر خلط عالم اثبات در عالم ثبوت است.

۳. علاوه بر دو منبع فوق، رک: علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۵۸۲؛ شهید ثانی، شرح الممعه، ج ۱۰، ص ۱۷ - ۱۶؛ خوبی، مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، ص ۳.

اما از نظر قانونی، علاوه بر ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی که صرف وجود قصد نتیجه را برای تحقق سوءنیت خاص کافی دانسته است، به موجب بند الف ماده ۲۹۰ قانون مزبور، اگر مرتکب دارای قصد ایراد جنایت باشد، عنصر روانی وی محقق خواهد شد؛ هر چند تحقق جنایت در اثر رفتار او، شایع و معمول نباشد. مطابق بند فوق: هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.

۵. قصد نتیجه با یک روش مشخص

فرض کنید: فردی با هدف انتقام از از دیگری، چاقو را به سمت قلب وی نشانه رفته و قصد کشتن وی را به همین نحو داشته باشد، ولی چاقو برخلاف خواست او، بر گردن قربانی نشسته و او را از پای در آورد و یا در مثالی دیگر، مرتکب قصد کشتن قربانی را با شلیک تیر به سر او داشته باشد، اما مرگ مجنی علیه با برخورد تیر به قلب وی واقع شود. بی‌گمان چنین قتل‌هایی عمدی هستند، زیرا مرتکب خواهان کشتن قربانی بوده و به آن نیز رسیده است و همین امر برای تحقق یک جنایت عمدی کافی خواهد بود.^۱

اما این نظر در میان فقیهان مخالفانی دارد. برای مثال، برخی از آن‌ها معتقدند که اگر مرتکب با پرتاب مجنی علیه از بلندی، قصد مرگ وی در اثر برخورد با زمین را داشته باشد، ولی مجنی علیه قبل از برخورد با زمین، در اثر ترس قالب تهی کند و یا اینکه با سیم‌های برق برخورد کرده و کشته شود، جنایت واقع شده عمدی نخواهد بود، زیرا قاتل هر چند قصد کشتن قربانی را داشته است، اما این نوع کشتن را قصد ننموده است (محقق، ۱۴۰۹: ۹۷۴)؛ همانطور که اگر قبل از رسیدن به زمین توسط دیگری کشته می‌شد نیز قتل با تمام ارکان آن به شخص دوم و نه پرتاب‌کننده، منتسب می‌گشت.^۲ در مقابل، پاره‌ای دیگر از فقیهان چنین قتلی را عمدی دانسته‌اند، زیرا مرگ در اثر رفتار مرتکب واقع شده و تفاوت در خصوصیات مرگ، قتل عمدی را منتفی نخواهد کرد (خویی، ۱۳۹۶: ۱۰)، مانند آنکه مرتکب فردی را در چاهی کشنده اندازد، ولی قربانی در اثر برخورد با خنجری که در ته چاه بوده و مرتکب از آن بی‌خبر است، هلاک گردد (خطیب، ۱۹۵۸: ۹) یا فردی، مجنی علیه

۱. این امر در جرایم دیگر نیز صادق است. برای مثال در جرم تخریب، قصد صدمه زدن به مال متعلق به دیگری، نیست خاص مرتکب را محقق می‌سازد، هر چند مال مزبور در عمل، به طریقی غیر از آنچه مورد نظر مرتکب بوده است، تخریب گردد. لذا فردی که با زدن چوب به شیشه خودروی دیگری، خواستار تخریب کامل آن باشد، مرتکب جرم مزبور شناخته می‌شود، هر چند شیشه خودرو تنها به دو قسمت تقسیم شده و به صورت کامل تخریب نشود.

۲. برای دیدن قائلین به این نظر، رک: طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۱۶۳.

را با قصد قتل از مکانی بلند پرتاب کند، ولی قبل از برخورد با زمین در اثر ترس فوت نماید یا به قصد قتل وی را در دریا اندازد و قبل از افتادن در آب طعمه حیوانات دریایی گردد (خویی، ۱۳۹۶: ۱۰؛ ابن براج، ۱۳: ۴۶۴). برخی دیگر نیز معتقدند اگر مرتکب، قربانی را برای غرق شدن در دریا اندازد و وی طعمه حیوانات دریایی شود، قتل واقع شده عمدی است؛ برخلاف حالتی که قبل از افتادن قربانی در آب، به سنگ یا نظیر آن برخورد کرده و فوت کند که در آن صورت، جنایت عمدی محقق نخواهد شد (خمینی، ۱۳۹۰: ۵۱۳).

برخی از حقوق دانان نیز با پذیرش دیدگاه اخیر و با استفاده از عبارت نظیر جنایت در مواد ۲۹۰ تا ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، معتقدند که اگر فردی قصد کشتن دیگری به صورتی خاص را داشته باشد، اما مرگ قربانی به صورتی کاملاً برخلاف نظر او اتفاق افتد، قتل واقع شده عمدی نخواهد بود، زیرا چنین مرگی داخل در قصد وی نبوده است (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۶۷-۱۶۵). بر این مبنا، اگر فردی به قصد غرق کردن یک کودک، وی را به داخل استخری پرتاب کند، اما به صورت اتفاقی به چهارپایه فلزی که قبلاً توسط فرد دیگری داخل استخر افتاده و مرتکب از آن ناآگاه بوده است، برخورد کرده و بمیرد، نمی توان قتل واقع شده را عمدی دانست (همان: ۱۶۷).

حقیقت آن است که در تمامی مثال های بیان شده در فوق، جنایت عمدی واقع شده است، زیرا برای تشکیل یک جنایت عمدی، قصد مرتکب در کشتن قربانی کافی در تحقق سوءنیت اوست؛ بدون آنکه قصد کشتن به صورتی خاص، دارای اهمیت باشد. برای تحلیل این امر لازم است که رابطه بین عنصر روانی و عنصر مادی تحلیل شود. در جرایم مقید به نتیجه، عنصر روانی به اجزاء عنصر مادی (و از جمله، نتیجه) تعلق می گیرد؛ امری که در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی نیز به روشنی قابل مشاهده است. مطابق ماده مزبور: در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

بر این اساس، تحقق سوءنیت خاص مستلزم تعلق قصد مرتکب به خود نتیجه است. اما طریقه رسیدن به نتیجه (مانند مرگ با خفه شدن، غرق شدن یا تحقق مرگ از طریق برخورد به قلب و گلو و مانند آن)، داخل در عنصر مادی نبوده و لذا قصد یا عدم قصد آن ها تاثیری در تحقق نیت مجرمانه نخواهد داشت. قیاس این مورد با حالتی که فرد ثالثی قبل از برخورد مجنی علیه با زمین او را می کشد نیز صحیح نیست. زیرا در آن حالت، آنچه قتل را به عامل دوم منتسب کرده و از عامل اول منفک می کند، نه عنصر روانی (قصد قتل) و بلکه رابطه علیت بین رفتار و نتیجه است. به بیان دیگر، زمانی که شخص ثالثی، فرد پرتاب شده را می کشد، بین رفتار او و مرگ رابطه علیت برقرار می شود و از این باب است که قتل به عامل دوم استناد می یابد. به بیان دیگر، آنچه داخل در عنصر مادی

است، تنها خود نتیجه است و روش رسیدن به نتیجه جزئی از عنصر مادی نیست و لذا نه آگاهی از آن لازم است و نه اشتباه در آن ضروری به عنصر روانی می‌زند.

همچنین نباید پنداشت که با استفاده از عبارت نظیر جنایت در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی می‌توان جنایت فوق را عمدی دانست، زیرا آنچه در مواد ۲۹۰، ۲۹۱ و ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است، نظیر جنایت واقع شده است و این امر زمانی معنا می‌یابد که بتوان برای جنایت نظیری یافت، زیرا جنایت واقع شده در قتل، مرگ قربانی است و بدیهی است که مرگ دارای نظیر و مشابهی نیست تا بتوان قصد آن را جایگزینی برای قصد کشتن قرار داد. از طرف دیگر، این تصور که عبارت مزبور ناظر به طریقه رسیدن به مرگ باشد نیز صحیح نیست. بنابراین در جایی که مرتکب، قصد کشتن دیگری با برخورد تیر به سر او را دارد، اما تیر به قلب وی اصابت می‌کند، بحث نظیر قتل قابلیت طرح ندارد، زیرا در این حالت، نظیر قتل اتفاق نیفتاده و بلکه خود قتل واقع شده است. به عبارت دیگر، کلمه نظیر در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، به کلمه جنایت اضافه شده و لذا منظور قانونگذار از عبارت مزبور، نظیر جنایت است و ربطی به طریقه رسیدن به جنایت ندارد (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۲۳۶).

آری، فردی که به دلیلی خاص، قصد کشتن قربانی را با زدن تیر به قلب او دارد، اما تیر با برخورد با سر قربانی موجب مرگ او می‌شود، زدن تیر به سر را قصد ننموده است، اما آنچه برای تحقق نیت مجرمانه لازم است، تنها قصد کشتن است که ناظر به نتیجه مجرمانه قتل عمدی است. باید توجه داشت که در تشکیل نیت مجرمانه، انطباق کامل ذهنیت مرتکب با آنچه در عالم خارج واقع می‌گردد، شرط نیست و بلکه آنچه لازم است، منطبق شدن نیت وی با ارکان عنصر مادی جرم است (همان: ۲۳۵). مرتکبی که قصد قتل دارد، سوءنیت وی به نتیجه تعلق گرفته است و عدم تطابق ذهنی وی با نوع خاصی از مرگ، نافی عمد وی نخواهد بود.^۱

۶. قصد نظیر جنایت واقع شده

قانونگذار در مواد ۲۹۱ و ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، قصد نظیر جنایت واقع شده را همانند قصد جنایت واقع شده دانسته و عمدی محسوب کرده است. به بیان دیگر، مطابق مواد فوق، خواه مرتکب قصد جنایتی را داشته و همان جنایت واقع شود و خواه قصد جنایتی را داشته و نظیر آن واقع شود، جنایت واقع شده عمدی خواهد بود، مانند آنکه قصد کور کردن چشم چپ کسی را داشته باشد، اما چشم راست او نابینا شود.

۱. دقیقاً همانند اشتباه در هویت که هر چند مرتکب قصد کشتن فردی با هویتی دیگر (و نه با هویت مقتول) را دارد، اما چون علم وی به موضوع جرم که همان انسان زنده است، تعلق گرفته است، نیت وی در کشتن مجنی علیه، محقق و کامل است.

بر این مبنا، در این حالت نیز سوءنیت مستقیم محقق خواهد شد. لذا اینکه در جریان ارتکاب یک جنایت، جنایت مورد نظر مرتکب دقیقاً واقع نشود و بلکه نظیر و مشابه آن واقع شود، سوءنیت مستقیم او را متفی نخواهد کرد و جنایت او بر اساس سوءنیت مستقیم عمدی خواهد بود.^۱

نتیجه گیری

قانونگذار در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، بندهای الف و ت را به سوءنیت مستقیم و بندهای ب و پ را به سوءنیت غیر مستقیم اختصاص داده و در نتیجه، عمدی بودن جنایت را با هر دو سوءنیت مزبور پذیرفته است. مراد از سوءنیت مستقیم که گاه قصد مستقیم نیز گفته می شود، آن است که هدف مرتکب از ارتکاب رفتار مجرمانه رسیدن به نتیجه ممنوعه مورد نظر قانونگذار باشد؛ برخلاف سوءنیت غیر مستقیم که مرتکب خواهان رسیدن به نتیجه نیست، اما آگاه است که رفتار او منجر به ایجاد نتیجه می شود و لذا سوءنیت او بر مبنای علم و آگاهی و به صورت غیر مستقیم برقرار می گردد. اما مراد از قصد در حقوق کیفری، انتخاب است و اگر فردی رسیدن به یک نتیجه را قصد کند، آن را انتخاب کرده است؛ بدون آنکه جایگاه هدف مزبور در میان اهداف متعدد مرتکب اهمیت داشته باشد. به بیان دیگر، اگر مرتکب اهداف متعددی را در طول یکدیگر انتخاب کند که تنها یکی از آن‌ها هدف نهایی او باشد، چون تمامی آن‌ها را انتخاب کرده است، تمام آن اهداف را می توان مورد قصد او دانست. مانند فردی که جهت کشتن یک تروریست، سپر انسانی او را مورد هدف قرار دهد با این امید که تیر او از بدن فرد گروگان گرفته شده عبور کرده و تروریست را بکشد که هرچند هدف نهایی مرتکب، کشتن فرد تروریست است، اما چون وی کشتن فرد گروگان گرفته شده را نیز انتخاب کرده است، کشتن او نیز به صورت عمدی و بر مبنای سوءنیت مستقیم شکل گرفته است. باری، در بندهای الف و ت ماده ۲۹۰، قانونگذار قصد مرتکب در تحقق جنایت را موجب عمدی بودن آن دانسته است؛ با این تفاوت که در بند الف، مرتکب خواهان ایراد جنایت بر فرد یا افراد مشخصی است، اما در بند ت وی فرد یا افراد مشخصی را در نظر ندارد و بلکه جنایت خود را به قصد صدمه زدن به هر فردی انجام می دهد و لذا هر فردی که کشته شود و یا صدمه ببیند، جنایت وی عمدی خواهد بود.

۱. برای تفصیل این بحث، رک: محمدخانی، عنصر روانی جرم، ج ۱، ص ۲۳۷ - ۲۳۳. برخی از نویسندگان نیز مصادیقی را برای عبارت (نظیر آن) بدین شرح ذکر کرده اند: فردی قصد دارد دست راست مجنی علیه را قطع کند ولی به طور اتفاقی ضربه شمشیر را به دست چپ او وارد کند. یا فرضی که جانی مصمم است جنایتی در حد دامغه بر مجنی علیه وارد کند لیکن در عمل در حد هاشمه وارد می شود (مصدق، ۱۳۹۹؛ ۶۲). مثلاً جانی بخواهد به دست راست تیری بزند ولی به دست چپ برخورد کند یا بخواهد انگشت سوم را قطع کند ولی انگشت دوم قطع شود که در اینصورت جنایت واقع شده چون نظیر جنایت مقصود است، عمد می باشد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶: ۲۸۸).

همچنین، قصد مرتکب در ایجاد نتیجه، موجب تحقق جنایات عمدی خواهد شد؛ هر چند وی به ایجاد نتیجه چندان امیدوار نباشد و رفتار وی به صورت استثنایی نتیجه را محقق سازد. زیرا زمانی که مرتکب نتیجه را قصد کند، سوءنیت او به صورت مستقیم شکل می‌گیرد، هر چند خود آگاه باشد که احتمال تحقق نتیجه از رفتار او بسیار ناچیز است.

مستقیم بودن سوءنیت همچنین، ناظر به نفس نتیجه است و راه‌های رسیدن به آن را شامل نخواهد شد. بنابراین، اگر فردی تحقق نتیجه را به صورتی خاص و مشخص قصد کند، اما نتیجه مزبور به صورتی دیگر محقق شود، نمی‌توان در وجود سوءنیت مستقیم مرتکب تردید نمود. زیرا با توجه به اصل تطابق عنصر مادی و عنصر روانی، سوءنیت مرتکب باید اجزاء عنصر مادی را پوشش دهد و لذا قصد مرتکب در ایجاد نتیجه به عنوان جزئی از عنصر مادی، جنایت وی را عمدی خواهد کرد؛ هر چند روش تحقق جنایت، متفاوت از روشی باشد که وی انتخاب کرده است. مانند آنکه مرتکب قصد کشتن مجنی‌علیه را با شلیک تیر به سر او داشته باشد، اما تیر او به قلب قربانی نشسته و به این طریق وی را از پای درآورد.

منابع

۱. ابن‌براج. (۱۴۰۶). *المهذب*، ج ۲، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۲. آقایی‌نیا، حسین. (۱۳۹۹). *جرائم علیه اشخاص*، جنایات، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات میزان.
۳. پوریافرانی، حسن (۱۳۹۹). *جرائم علیه اشخاص*، صدمات جسمانی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل.
۴. حاجی‌دآبادی، احمد. (۱۳۹۶). *جرائم علیه اشخاص*، قتل، تهران، انتشارات میزان.
۵. الخطیب الشربینی، محمد. (۱۹۵۸). *معنی المحتاج*، ج ۴، بی‌جا، دار احیاء التراث العربی.
۶. خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۰). *تحریر الوسیله*، ج ۲، الطبعة الثانية، نجف، دار الکتب العلمیه.
۷. خوبی، ابوالقاسم. (۱۳۹۶). *مبانی تکمله المنهاج*، ج ۲، الطبعة الثانية، قم، المطبعة العلمیه، قم.
۸. سلار بن عبدالعزیز. (۱۴۱۴). *المراسم العلویه*، تحقیق از سید محمد حسینی امینی، قم، المجمع العالمی لاهل البیت (ع).
۹. صادقی، محمد هادی. (۱۳۹۳). *جرائم علیه اشخاص*، ج بیستم، تهران، انتشارات میزان.
۱۰. طباطبایی، سید علی. *ریاض المسائل*، ج ۱۶، قم، موسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث، بی‌تا.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). *مبسوط*، ج ۷، تحقیق از محمد باقر بهبودی، بی‌جا، مکتبه المرتضویه.
۱۲. علامه حلی. (۱۴۱۳). *قواعد الاحکام*، ج ۳، قم، موسسه النشر الإسلامی.
۱۳. کاشف الغطاء، محمد حسین، *اصل شیعہ و اصولها*، موسسه الامام علی (ع)، بی‌تا.
۱۴. کلارکسون، کریستوفر. (۱۳۹۰). *تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی*، ترجمه حسین میرمحمدصادقی، تهران، انتشارات جنگل.
۱۵. گرجی، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). *دیات*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. لنکرانی، محمد. (۱۴۲۷). *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، القصاص، الطبعة الثالثة*، قم، مرکز فقه الاثمه الاطهار (ع).

۱۷. محقق حلی. (۱۴۰۹). *شرایع الاسلام*، ج ۴، تحقیق از سید صادق شیرازی، چاپ دوم، تهران، انتشارات استقلال.
۱۸. محمدخانی، عباس. (۱۳۹۵). *عنصر روانی جرم*، ج ۱، کلیات عنصر روانی - عنصر روانی جرائم عمدی، تهران، انتشارات میزان.
۱۹. مرادی، حسن. (۱۳۹۶). *جرایم علیه اشخاص*، جنایات، تهران، انتشارات میزان.
۲۰. مرعشی، سید محمدحسن. (۱۳۷۹). *دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام*، ج دوم، تهران، انتشارات میزان.
۲۱. مصدق، محمد. (۱۳۹۹). *شرح قانون مجازات اسلامی (قصاص) با رویکردی کاربردی*، جلد چهارم، انتشارات جنگل، چاپ سوم.
۲۲. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۰). *المقنعه*، تحقیق از جامعه مدرسین، قم، جامعه مدرسین.
۲۳. میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۹۹). *جرایم علیه اشخاص*، چاپ بیست و نهم، تهران، انتشارات میزان.
۲۴. نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۷). *جواهر الکلام*، ج ۴۲، تحقیق شیخ محمود قوچانی، الطبعة الثالثة، بی جا، المكتبة الاسلامیه.
۲۵. نجیب حسنی، محمود. (۱۳۹۳). *نظریه عمومی قصد جنایی*، ترجمه سیدعلی عباس نیای زارع، تهران، انتشارات میزان.

26. Allen, Michael. (1997). *Textbook on Criminal Law*, Fourth Edition, Blackstone Press Limited.
27. Ashworth, Andrew. (2006). *Principles Of Criminal Law*, Fifth Edition, Oxford university press.
28. Mannheim, Hermann. (1935) *Mens Rea In German and English Criminal Law*, Journal Of Comparative Legislation and International Law, Third Series, Vol. 17, No. 1, pp.82-101.
29. Simister and Sullivan, (2010). *Criminal Law; Theory and Doctrine*, Fourth Edition, Oxford and Portland, Oregon, Hart Publishing.
30. Smith & Hogan. (2009). *Criminal Law*, 10th Edition, London, Oxford University Press.
31. Wilson, William. (1998). *Criminal Law*, Theory and Doctrine, Second Impression, Longman.